

# معنویت‌های نوظهور؛ پدیده‌ای در

## بستر جهان سکولار شده

سید میثم موسوی

تصویرگر

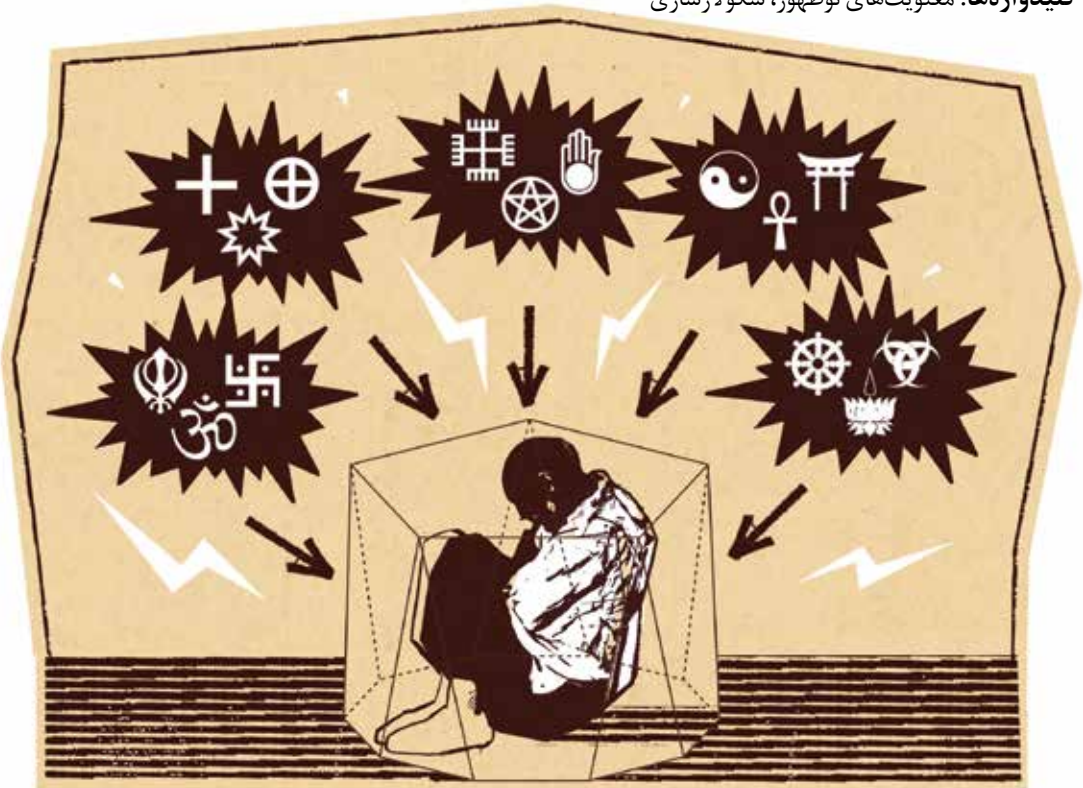
حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی

معاون وزیر و سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



به دست دادن تعریفی جامع و مانع از آنچه این روزها «معنویت‌های نوظهور» یا «جنبش‌های نوین دینی» خوانده می‌شود، کار دشواری است، زیرا این جریان‌ها از تعداد و تنوع بسیار بالایی برخوردارند و تعداد آن‌ها در سراسر جهان تا چند هزار نیز برآورد شده است (Wilson & Cresswell, 1999: 16-17). در عین حال، بررسی ویژگی‌های این جنبش‌ها ما را به نقاط مشترکی می‌رساند که زمینه و هسته معنایی واحدی را آشکار می‌کند. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که می‌تواند این زمینه و هسته معنایی مشترک میان این معنویت‌ها را توضیح دهد، سکولارسازی یا سکولار شدن است. این مقاله در این راستا تدوین شده است.

**کلیدواژه‌ها:** معنویت‌های نوظهور، سکولارسازی



### معنویت‌های نوظهور چیستند؟

به طور کلی، معنویت‌های نوظهور جریان‌ها و مجموعه‌هایی از باورها و اعمال معنوی هستند که حداکثر در ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال گذشته به عنوان بدیلی برای جریان‌های اصیل دینداری در جهان پدید آمده‌اند و به جای توجه به باورها و اعمال و مناسک ادیان شناخته‌شده، بیشتر بر تجربه معنویت به عنوان

امری فردی و سیال تأکید می‌کنند. هرچند تنوع بسیار زیاد این جریان‌ها مانع از به دست آوردن تعریفی کامل و واقعی از آن‌هاست<sup>۱</sup> ولی پژوهش‌هایی که مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک این جریان‌ها را برشمرده‌اند، به ما کمک می‌کنند فهم عمیق‌تری از ماهیت و چیستی این جریان‌ها و آثار و پیامدهای آن‌ها داشته باشیم.

## برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش‌های معنوی نوظهور

۱. اهمیت تجربه معنوی - درونی فردی: تقریباً تمام جریان‌های معنوی مدرن و افراد فعال در آن‌ها بر تجربه‌های شخصی معنوی که برای افراد رخ می‌دهد، تأکید زیادی دارند. این تجربه‌ها از آن جهت که نوعی لذت غیرمادی و عمیق نیز ایجاد می‌کند، به مثابه عاملی برای ادامه ارتباط افراد با این جریان‌ها نیز عمل می‌کند. چنین تجربه‌هایی تنوع بسیار زیادی نیز دارند: احساس رها شدن از بدن، احساس متحدشدن با دیگر موجودات و انسان‌ها، مشاهده ارتباط با حیات موجودات بی‌جان یا هرگونه رخداد به‌ظاهر غیرطبیعی در آن‌ها، احساس درونی یک نیروی متعالی یا ارتباط با یک حقیقت فرامادی و ... نکته مهم درباره این تجربه‌ها این است که حقیقی و صادق یا کاذب‌بودنشان (یعنی برآمدن آن‌ها از اوهام و خیالات شخصی فرد) برای هر کس به آسانی قابل تشخیص نیست. به علاوه، چنین تجربه‌هایی حتی در صورتی که صادق باشند، فقط از حقیقت‌هایی جزئی و موردی حکایت دارند و نمی‌توانند معیار و برنامه‌ای جامع و کامل برای زندگی به‌شمار آیند. دیگر پیامد برجسته اهمیت یافتن تجربه‌های معنوی فردی آن است که در این جریان‌ها نقش‌آفرینی اجتماعی دین به حاشیه می‌رود و معنویت به حالات و تأملات شخصی فرد منحصر می‌شود.

۲. اعتبار بخشیدن به فرد به‌عنوان داور نهایی حقایق معنوی و نفی اعتبار و مرجعیت‌های بیرونی دینی - معنوی: این ویژگی که در امتداد ویژگی پیشین است، به این معناست که در این معنویت‌ها تمام تجربه‌های معنوی شخصی برای اشخاص تجربه‌گر ارزش و اعتبار دارد و این خود اشخاص هستند که درباره صحت و سقم تجربه معنوی خویش داوری می‌کنند. همچنین، حقایق و حیاتی که به‌گونه‌ای معصومانه بر انبیای الهی (علیهم‌السلام) منکشف می‌شود نیز در حد تجربه‌های معنوی شخصی تنزل داده می‌شوند و این حقایق، با تجربه‌های معنوی دیگر اشخاص تفاوت بنیادین ندارند. این ویژگی با بی‌اعتبار کردن ضرورت بعثت پیامبران الهی و نقش آن‌ها در راهنمایی بشر به سوی معنویت حقیقی، نشان‌دهنده تکثرگرایی در معنویت (صحیح‌پنداشتن هر ادعای معنوی و تمایز نداشتن میان معنویت حقیقی و معنویت کاذب) در این جریان‌هاست.

۳. تأکید بر «زندگی در حال» و آرامش و موفقیت در زندگی دنیوی و غفلت از حیات اخروی: از مهم‌ترین

اهداف معنویت‌های نوظهور، تلاش برای ایجاد احساس آرامش، موفقیت، سلامت روانی و جسمی و به‌طور کلی احساس خوشبختی در زندگی پر تنش دنیای امروزی است. به همین خاطر است که بسیاری از آموزه‌ها و فعالیت‌های این جریان‌ها در ضمن دوره‌ها و جلسات آموزشی در زمینه موفقیت در زندگی، خودشناسی، انرژی‌درمانی، یوگا، مدیتیشن و حتی با ظاهری ورزشی و درمانی، گسترش یافته است (محمدمسعود سعیدی، ۱۳۹۹: ۱۸۴). البته درست است که یکی از مهم‌ترین کارکردهای ایمان اصیل و حقیقی (در صورتی که به‌درستی و به‌صورت متعادل تحقق یابد) آرامش، اطمینان و سلامت قلب در همین دنیاست، ولی تقلیل دین و معنویت به ابزاری برای کسب آرامش و خوشبختی دنیوی و تعریف آن‌ها بر حسب کارکرد دنیوی‌شان، به معنای غفلت از حیات اصلی و ابدی انسان و نادیده‌گرفتن اهداف عالی دین است. بر اساس آموزه‌های قرآنی و حدیثی، زندگی دنیوی مزرعه‌ای برای حیات اخروی است و آن دنیا باطن این جهان است.

۴. باور به وجود نیروی الهی و حیات‌بخش در طبیعت و نفی خدای متشخص: از دیگر ویژگی‌های مشترک بسیاری از معنویت‌های نوظهور، سخن گفتن از نوعی همه‌خدایی یا به بیان بهتر نوعی شعور و نیرو یا انرژی کیهانی یا طبیعی است که در جهان مادی وجود دارد و تمام تحولات، موفقیت‌ها یا رخدادهای مثبتی که برای انسان روی می‌دهند، مستند به او هستند. در این نگاه، مفهوم خدا بیشتر به‌عنوان نماد و نشانه‌ای برای اشاره به شعور و انرژی آفرینشگر موجود در همین طبیعت است و نه یک حقیقت ماورای طبیعی که متعالی از این محدودیت‌های مادی و غیرمادی است. به همین خاطر است که از یک سو حتی بسیاری از ملحدان و بی‌اعتقادان به وجود خداوند نیز به این معنویت‌ها گرایش پیدا می‌کنند و از سوی دیگر، آن دسته از گروندگان به ادیان الهی که درک اعتقادی درست و دقیقی از خداوند و نسبت میان او و خلقت ندارند نیز به صرف شنیدن مفاهیم آشنایی همچون «خداوند» و «نعمت‌های خدا»، تصور می‌کنند این جریان‌ها با دینداری موحدانه سازگارند (حمید رضایا و عبدالله غلامرضا کاشی، ۱۳۹۶: ۴۲-۳۸).

### فرایند سکولارسازی / سکولار شدن در جامعه

در مطالعات جامعه‌شناختی، سکولاریزاسیون<sup>۲</sup> یا سکولار شدن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فرایندهای هم‌زمان مدرنیته شناخته می‌شود. به‌طور کلی، سکولار شدن (که گاهی به «عرفی شدن» یا «دنیوی شدن» هم ترجمه می‌شود) فرایندی است که در طول آن، از یک سو نهادها، اندیشه‌ها و آداب دینی اهمیت و معنای اجتماعی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر، بخش‌هایی از



تقلیل دین و معنویت به ابزاری برای کسب آرامش و خوشبختی دنیوی و تعریف آن‌ها بر حسب کارکرد دنیوی‌شان، به معنای غفلت از حیات اصلی و ابدی انسان و نادیده گرفتن اهداف عالی دین است



سکولار شدن فرآیندی است که در طول آن از یک سو نهادها، اندیشه‌ها و آداب دینی اهمیت و معنای اجتماعی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از نفوذ نهادها و ارزش‌ها و نشانه‌های دینی خارج می‌شوند

انسان سایه‌گستر است. یکی از چالش‌ها در مسیر تحقق این اصل، فرایندهای تسریع‌کننده سکولارسازی جامعه - همانند جریان‌های معنوی نوظهور- است. در این میان، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای مواجهه صحیح با این چالش، آگاهی‌بخشی نسبت به ماهیت، ویژگی‌ها و پیامدهای این جریان‌هاست؛ چیزی که این نوشته کوتاه در حد بضاعت خود به ابعادی از آن پرداخت.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. برای مشاهده برخی تلاش‌ها برای تعریف و تحدید دقیق‌تر چپستی این جنبش‌ها رک: تعریف معنویت‌گرایی جدید، جرج د. کریسایدز، دوفصلنامه هفت‌آسمان. ش ۱۹؛ ژنسانس قدسی، محمدحسن یعقوبیان، نشر وثوق، ۱۳۹۵، ص ۲۱-۳۰؛ جامعه‌شناسی ادیان، ژان پل ویلم، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر تبیان، ۱۳۷۷، ص ۸۶-۹۶.

Understanding new religious movements, John A. Saliba, Altamira, 2003, p. xi-xv, 2-14.

2. secularization

#### منابع

۱. عوامل گسترش عرفان حلقه در ایران. محمدمسعود سعیدی. مجموعه مقالات همایش ملی معنویت‌های نوظهور، شاخص‌ها و نقدها. ج ۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۹.
۲. جنبش‌های نوین دینی. برایان ویلسون و جیمی کرسول. ترجمه محمد قلی‌پور، مقدمه سارا شریعتی. نشر مرنديز. ۱۳۸۶.
۳. ادیان در دنیای مدرن، لیندا وودهد و دیگران، ترجمه حمید رضانیا و عبدالله غلامرضا کاشی. دانشگاه ادیان و مذاهب. ۱۳۹۶.
۴. جامعه‌شناسی ادیان، ژان پل ویلم. ترجمه عبدالرحیم گواهی. نشر تبیان. ۱۳۷۷.
۵. تبیین نظری سکولارشدن در جامعه ایران معاصر. محمدمسعود سعیدی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۶.
۶. مبانی معنویت‌گرایی جدید. حمیدرضا مظاهری‌سیفی. مجموعه مقالات همایش ملی معنویت‌های نوظهور. شاخص‌ها و نقدها. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۹.
7. New religious movements; challenge and response, edited by Bryan Wilson & Jamie Cresswell, Routledge, 1999.

جامعه و فرهنگ، از زیر نفوذ نهادها و ارزش‌ها و نشانه‌های دینی خارج می‌شوند (محمدمسعود سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). معمولاً برای سکولارسازی سطوح متفاوتی برشمرده می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سکولار شدن خود دین است. به این معنا که در طی این فرایند، تلقی‌هایی از دین شکل می‌گیرند که به میزان قابل توجهی از نیازهای زمانه متأثرند و نه آموزه‌های اصیل و حقیقی ادیان. آنچه در جریان سکولارسازی جامعه رخ می‌دهد، حذف دین نیست، بلکه در اینجا بیشتر شاهد به‌حاشیه‌رفتن تفسیرهای قدسی از جهان و حقایق آن و غلبه نگاه کارکردی، این‌جهانی و فردگرایانه به دین (یعنی در نظر گرفتن دین تنها به‌مثابه عاملی برای آرامش فردی) هستیم. از این جهت می‌توان گفت، جامعه‌ای که در مسیر سکولارسازی قرار دارد، زمینه مناسبی برای پیدایش جریان‌های معنوی نوظهور خواهد بود. همان‌طور که با رشد و گسترش این جریان‌ها، این فرایند در جامعه شدت و سرعت بیشتری خواهد گرفت و به تدریج، هم هویت قدسی و الهی دین و هم نقش آفرینی همه‌جانبه آن در زندگی، تضعیف خواهد شد.

#### سخن پایانی

امروزه بسیاری از ما در جامعه، فضای مجازی و در تعامل با دوستان و آشنایان، چیزهایی درباره کلاس‌ها، کتاب‌ها، کارگاه‌ها و آموزه‌هایی می‌شنویم که با استفاده از مفاهیم و معانی معنوی و ماورایی، به دنبال ایجاد حس موفقیت، خوشبختی و آرامش در ما هستند. این جریان‌ها و آموزه‌های آن‌ها - به‌رغم جذابیت ظاهری‌شان - در باطن خود دربردارنده باورها و ذهنیت‌های ویژه‌ای درباره انسان، جهان، خدا، دین و دینداری هستند، و به همین جهت رواج و گسترش آن‌ها در جوامع، افزون بر بعضی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، زمینه‌ساز انحراف در دینداری و تربیت دینی اصیل نیز خواهد بود. براساس آنچه در اسناد تحولی آموزش و پرورش - به‌ویژه مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی عمومی - آمده است، دین به مثابه آیین حیات طیبه و نظام معیار، بر تمام شئون زندگی